

سخن نهاد

از زمانی که تحولات اقتصادی و اجتماعی شهرها و فضاهای شهری به تنها محرک پویایی جوامع تبدیل شدند، از آن زمان که دولت‌ها کوچک شده و برنامه‌ریزی مرکزی کارایی خود را از دست داد، تحولاتی به وجود آمد که نتایج شگرفی به دنبال داشت که هنوز و همچنان ادامه دارد. حال آن که در کشور ما واقعیت پیچیده‌تر از این است، یعنی از یک سو نظام برنامه‌ریزی مرکزی و دولتی مقتدر و بزرگ، بدیل و همتایی برای خود ندارد، و از سوی دیگر کنش‌های شهری در غیاب برنامه‌های مؤثر، رها شده اند و چارچوب آن به شیوه معیشتی از منطق سوداگری و رفع نیازهای خرد و کوتاه مدت پیروی می‌کند. در این میدان آشفته، نقش مطالعات اقتصادی و اجتماعی در طرح‌ها و مطالعات شهری و فضایی، در مرحله اول تشخیص و شناسایی است. به عبارت دیگر یعنی چهره‌نمایی ساده از واقعیت‌های پیچیده در ظرف مکان و زمان ... که در واقع عبارت است از مقدمات طرح جامع و لذا این جاست که باید «مار» را بکشند نه این که آن را بنویسند. طرح‌ها و مطالعات شهری اساساً از ابتدا خصلتی کالبدی داشته، چرا که شهر بدون کالبد خود قابل تصور نیست. مطالعات اقتصادی و اجتماعی نیز می‌تواند و باید به صورت کالبدی و روی نقشه ارائه شود. براین اساس، فرایند مجموع مطالعات منتج به ایجاد «نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران» که در درون خود «طرح جامع» تهران را دنبال می‌کند، راهی نو و بدیع بوده است.

تشکیل نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران و تمرکز خاص بر طرح جامع، بدون شک اقدامی اساسی بود که می‌باید با برخورداری از توان لازم مهندسی و کارشناسی و با پشتوانه قانونی در بدنه اصلی مدیریت عمومی شهر (شهرداری) با پشتیبانی از اهرم قوی حمایت و اعتبار وزارت مسکن و شهرسازی ماندگار بوده و علاوه بر ایفای نقش حفظ و نگهداری «ارزش شهری»، مرجع توانمند برنامه‌های شهری و طرح جامع آن باشد. بر این اساس ابتدا ببینیم «مهمات» ما کدامند؟

اهم آن چه برای تهران تشخیص داده شده، عبارت است از:

- ۱ تأکید بر اهمیت جایگاه ملی تهران، مزیت‌های کار و زندگی در پایتخت
 - ۲ منزلت دوگانه تهران در ذهنیت مردم، یعنی برتری شهری در مقیاس ملی و احساس نابرابری در درون شهر
 - ۳ تأکید بر تقویت نقش فراملی تهران به ویژه در سطح کشورهای مسلمان خاورمیانه و آسیا
 - ۴ تأکید بر تمرکز زدایی از «وظایف دولت» به جای انتقال مرکزیت سیاسی
 - ۵ تأکید بر جایگاه اول اقتصادی تهران در جنوب غرب آسیا
 - ۶ دانش محور بودن اقتصاد تهران
 - ۷ دانش محور بودن توسعه تهران
 - ۸ توسعه محور بودن دانش‌پذیری تهران
- اما در رابطه با مهمات فوق، داشته‌های ما چیست؟ به عبارت دیگر بستر فراهم‌کننده تهران با نگاه به مطالب فوق‌الذکر چه مختصاتی دارد.

امکانات تهران:

- ۱ استقرار یک سوم صنایع کشور و بیش از نیمی از صنایع فناوری برتر، خدمات مولد و ...
- ۲ بالا بودن سطح فرهنگ عمومی، سرمایه انسانی و اجتماعی بی‌نظیر در سطح ملی و منطقه‌ای
- ۳ استقرار بر مسیر کریدورهای بین‌المللی جاده‌ای و هوایی و ریلی
- ۴ وجود شبکه‌ها و زیرساخت‌های گسترده پیشرفته و بازرگانی، مالی، اداری و ... برای تجارت بین‌المللی.

محدودیت‌های تهران:

- ۱ ساماندهی و مدیریت نامناسب و نادرست فضاهای زندگی و فعالیت در گذشته در شهر و مجموعه شهری تهران و کاهش جاذبه‌های فراملی.
- ۲ رویکرد تمرکز زدایی سلبی و تقابل با استفاده مناسب از ظرفیت موجود برای ازدیاد بهره‌وری و فعالیت

ویژه‌نامه نهاد توسعه تهران، مجله‌ای اختصاصی برای مسایل شهر است که به سفارش و پشتیبانی «نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران» به ضمیمه ماهنامه منظر منتشر می‌شود. شهر، به مثابه پیشرفته‌ترین دستاورد تمدن انسان، آن‌چنان که شأن اوست شناخته نشده است. در جامعه ایران، علی‌رغم سنت پویا و عظیم شهرنشینی، این نقیصه بیشتر چهره می‌نماید.

«نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران» که رسالت هدایت طرح‌های توسعه شهری تهران را بر عهده دارد با درک منطقی و واقع‌بینی از مسئله، توسعه فرهنگ شهر و گسترش مطالعات شهری را در میان فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کرده است. بومی ساختن مسئله شهر در جامعه ایران و کشف راه حل‌های متناسب شرایط اجتماعی ما، هدفی است که از طریق رشد پژوهش‌ها و گسترش مطالعات علمی و نقد تجربه‌های جاری حاصل می‌شود. ویژه‌نامه نهاد توسعه تهران در صدد است در این زمینه گام بردارد.

سخن نهاد / ۲

نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران

گذشته، حال و آینده / ۴

طرح راهبردی-ساختاری «جامع» شهر تهران / ۱۱
ارزیابی آنتلیه شهرسازی پاریس (APUR) از طرح

جامع شهر تهران / ۱۴

فرایند تهیه طرح جامع جدید تهران

در بوته نقد / ۲۰

درباره طرح جامع جدید تهران / ۲۷

طرحی برای میدانی انقلابی / ۳۱

تبدیل تپه‌های عباس‌آباد به بزرگترین مجتمع

فرهنگی کشور تا سال ۳۱/۹۰

دره فرحزاد باغ - تراس می شود / ۳۱

بسته تشویقی شهرداری برای نوسازی بافت

فرسوده تهران / ۳۱

برگزاری اولین نشست تخصصی «بررسی آثار

اجرای طرح یک‌طرفه شدن

خیابان ولی‌عصر (عج) / ۳۱

هیئت تحریریه ویژه‌نامه

دکتر علیرضا عندلیب

دکتر سید عبدالهادی دانشپور / دکتر غلامرضا کاظمیان

/ دکتر شریف مطوف / دکتر کیانوش ذاکر حقیقی

پذیری تهران

- ۲ کمبود شدید فضاهای خدماتی مورد نیاز ساکنان، به ویژه در مناطق مرکزی، شرقی و جنوبی شهر و تنزل کیفیت زندگی در این مناطق
- ۲ محدودیت و کمبود فضاهای سکونت، فعالیت و گذران اوقات فراغت در مقیاس های جهانی و منطقه ای
- ۸ وجود صنایع دفاعی و پادگان های نظامی و زاغه های مهمات در مراکز تجمع جمعیت و فعالیت
- ۶ پدیده وارونگی هوا و مخاطرات لرزه خیزی شهر.

در کنار این امکانات و همچنین محدودیت‌ها، ما با معضلات اساسی دیگری هم سر و کار داریم که اهم آن عبارت است از:

- ۱ گسترش حاشیه نشینی
 - ۲ تمرکز فقر و محرومیت در پیرامون شهر
 - ۳ از میان رفتن اراضی کشاورزی
 - ۴ اختلال در نظام حمل و نقل و رفت و آمد در منطقه
 - ۵ پراکندگی استقرار مراکز کار و فعالیت در منطقه
 - ۶ نزول مداوم کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی شهر تهران بر اثر فشار مداوم جمعیت اطراف
- حال با عنایت به مجموعه «مهمات»، «امکانات»، «محدودیت‌ها» و «معضلات»، چشم انداز تهران ۱۴۰۰ بدین گونه توصیف شده است:

- شهر دانش محور جهانی و هوشمند
 - رسیدن اقتصاد دانش محور آن از ۱۸ درصد به ۵۰ درصد
 - رسیدن صادرات صنعتی شهر به ۱۰ میلیارد دلار
 - رسیدن تعداد مراکز علمی و پژوهشی از ۹۰ به ۱۳۰
 - محل مقدم جذب، هضم و معمول کردن فن آوری برتر در ایران
 - محل مقدم جذب و توزیع سرمایه گذار مستقیم و غیر مستقیم خارجی در ایران
 - محل مقدم جذب و توزیع گردشگران (سیاحتی، تجارتي، ورزشی و ...) در ایران
- به عبارت دیگر تهران در چشم انداز باید شهری دانش محور، جهانی و هوشمند باشد که فعالیت آن از ارکان ذیل برخوردار گردد:

- ۱ ایجاد مدیریت یکپارچه در مجموعه مدیریت شهری تهران
- ۲ تمرکز زدایی ملی و منطقه‌ای از تهران با تقویت الگوی چند مرکزی
- ۳ اصلاح ساختار مدیریت توسعه ای تهران در جهت نیل به مدیریت استانی و افزایش مشارکت تشکل های مدنی
- ۴ اصلاح ساختار صنعتی به سمت اقتصاد دانش محور
- ۵ ارتقاء شبکه حمل و نقل
- ۶ ایمن سازی در برابر زلزله و حوادث طبیعی و مخاطرات زیست محیطی
- ۷ سامان دادن به اسکان غیر رسمی

مخلص کلام این که حرکت به سمت تحقق چشم انداز فوق الذکر، این قابلیت را دارد که کلان شهر سردرگمی مثل تهران را بر اساس اصول «برنامه سازی» و «برنامه ریزی» و تنها در قالب «طرحی جامع» به سمت شهری پایدار هدایت کند.

اگر بپذیریم که نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران مسئولیت «آینده نگری» را به عهده دارد و این نگرش را در طرحی جامع تنظیم و اصلاح می کند بر این اساس نهاد در بستر و فعالیت خویش ویژگی هدایت، نظارت، اجرا، هماهنگی و پشتیبانی را توأمان به عهده دارد. هدایت برای جهت دهی تهدیدها به سمت فرصت، نظارت به معنای پایش مستمر و تضمین کننده، اجرا در مسیر تهیه طرح‌ها و برنامه‌های کلان، هماهنگی به معنای عامل تعامل و تفاهم در گذار از اختلافات و تعارضات و تضادها و پشتیبانی با مفهوم ایجاد پشتوانه‌های علمی، فنی و اجرایی لازم برای تداوم نقش حمایت گری خویش.

بنابراین «اگر» قرار است نهاد، همه چیز را از بالا ببیند (که باید این گونه باشد) طبعاً، قد و قواره و قامت و شأن خودش نیز «باید» چند سر و گردن، در «نگاه به فردا، ضرورت‌های امروز و تجربه‌های دیروز»، فراتر از دیگران باشد چرا که محصول چنین ادعایی بدون شک در ارائه یک طرح جامع و چگونگی اجرای آن تأثیر مستقیم دارد.

طرح جامع نیز در هر جایگاهی قرار دارد لزوماً باید در راستای حفظ، تثبیت و توسعه ارزش‌های شهری، منطقه‌ای، ملی و جهانی حرکت کند و اگر جز این باشد نه تنها «جامعیت» ندارد بلکه اساساً ارزش «طرح» را نیز نخواهد داشت.

طرح جامع چه می خواهد و باید چه گوید؟ طرح جامع در واقع فریاد موجود زنده‌ای است به نام تهران که برای تداوم حیات و سلامتی خود، مشارکت، شفافیت، قانون مداری، پاسخگویی، عدالت، مسئولیت پذیری، نظارت، کارایی و اثربخشی و تخصص گرایی را در درون خود طلب می کند. طرح جامع در واقع باید جایگاه و شأن «تهران» را در قالب مدیریت شهری برای جهانیان ترسیم کند، تهرانی را که «باید» معرفی کند و چگونگی حرکت از «هست» ها به «شدن» ها را به مدیران ما بشناساند.

طرح جامع باید به ما بگوید اگر ما با تهران امروز آن گونه که «هست» برخورد کنیم تهران را در همین حد نگه داشته‌ایم اما اگر با تهران آن گونه که «باید» باشد برخورد کنیم تهران را به سمت عالی ترین نقطه اوج و تعالی حرکت خواهیم داد. طرح جامع در حقیقت ترسیم ارزش‌های منطقه‌ای، محلی و محله‌ای تهران است که تبلور یافتگی این انتظام را در آینده‌ای نه چندان دور به صورت شهری آرام، زیبا، پویا و سراسر اندیشه و معنا مشاهده می کنیم.